دلایل توحید

50 سؤال و جواب در یگانه‌پرستی

**تألیف:**

**الإمام محمد بن عبدالوهاب**/

**مترجم:**

**اسحاق دبیری(**/**)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | دلایل توحید - 50 سؤال و جواب در یگانه‌پرستی | | | |
| **تألیف:** | الإمام محمد بن عبدالوهاب/ | | | |
| **مترجم:** | اسحاق دبیری/ | | | |
| **موضوع:** | عقاید کلام – مجموعه عقاید اسلامی – توحید و الهیات | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

فهرست

[فهرست ‌أ](#_Toc436875987)

[مقدمه مترجم 1](#_Toc436875988)

[50 سؤال و جواب در یگانه پرستی 3](#_Toc436875989)

[س1- اصول سه گانه که دانستن آن بر انسان واجب است چیست؟ 3](#_Toc436875990)

[س2 - معبود و پروردگار توکیست؟ 3](#_Toc436875991)

[س3 - رب یعنی چه؟ 3](#_Toc436875992)

[س4 - چگونه خدای خود را می‌شناسی؟ 3](#_Toc436875993)

[س5 - دین تو چیست؟ 4](#_Toc436875994)

[س6- دین اسلام بر چه چیزی بنا نهاده شده است؟ 5](#_Toc436875995)

[س7 - ایمان چیست؟ 5](#_Toc436875996)

[س8 - احسان و نیکی چیست؟ 5](#_Toc436875997)

[س9- نبی و پیامبر تو کیست؟ 6](#_Toc436875998)

[س10- [محمد] با چه سوره‌ای مژده داده شده، و با چه سوره‌ای فرستاده شده است؟ 6](#_Toc436875999)

[س11- معجزه رسول الله **ج** چیست؟ 6](#_Toc436876000)

[س12- دلیل بر اینکه او رسول و فرستاده خداست، چیست؟ 7](#_Toc436876001)

[س13- دلیل نبوت و پیامبری محمد ج چیست؟ 7](#_Toc436876002)

[س14- چرا خداوند محمد ج را فرستاد؟ 8](#_Toc436876003)

[س15- فرق بین توحید ربوبیت و توحید الوهیت چیست؟ 9](#_Toc436876004)

[س16- انواع عبادت‌ها - که فقط و فقط مخصوص خداست - کدامند؟ 9](#_Toc436876005)

[س17- بزرگترین چیزی که خدا به آن امر فرموده، و بزرگ ترین چیزی که از آن نهی کرده چیست؟ 9](#_Toc436876006)

[س18- مسایلی که آموختن و عمل کردن به آن لازم است، کدامند؟ 9](#_Toc436876007)

[س19- الله یعنی چه؟ 10](#_Toc436876008)

[س20- چرا خداوند تو را آفریده است؟ 10](#_Toc436876009)

[س21- عبادت او چگونه است؟ 10](#_Toc436876010)

[س22- دلیل بر عبادت او چیست؟ 10](#_Toc436876011)

[س23- اولین چیزی که خداوند بر ما فرض نمود چیست؟ 10](#_Toc436876012)

[س24- عروة الوثقی یعنی چه؟ 11](#_Toc436876013)

[س25- نفی و اثبات [در این جا] چیست؟ 11](#_Toc436876014)

[س26- دلیل بر این قول چیست؟ 11](#_Toc436876015)

[س27- طاغوت‌ها چه کسانی و بر چند نوع هستند؟ 12](#_Toc436876016)

[س28- بهترین اعمال پس از شهادتین کدام است؟ 12](#_Toc436876017)

[س29- آیا خداوند مخلوقات را پس از مردن بر مى‌انگیزد و آن‌ها را بر نیکی و بدی مجازات مى‌نماید، کسی که از او اطاعت کرده به بهشت، وکفر ورزندگان و شرک آورندگان را به دوزخ وارد کند؟ 14](#_Toc436876018)

[س30 - حکم ذبح و قربانی برای غیر از خدا در آیه ذیل چیست؟ 14](#_Toc436876019)

[س31 - انواع شرک کدامند؟ 15](#_Toc436876020)

[س32 - نفاق بر چند نوع تقسیم مى‌شود و معنای آن چیست؟ 16](#_Toc436876021)

[س33 - مرتبه دوم اسلام چیست؟ 16](#_Toc436876022)

[س34 - ایمان به چند شاخه تقسیم مى‌شود؟ 16](#_Toc436876023)

[س35 - ارکان ایمان چند است؟ 17](#_Toc436876024)

[س36 - سومین مرتبه از مراتب دین اسلام چیست؟ 17](#_Toc436876025)

[س37 - آیا مردم پس از حشر شدن بر اعمال وکردار خـود در روز قیامت، پاداش یا کیفر خواهند دید؟ 17](#_Toc436876026)

[س38 - حکم کسی که بعثت را تکدیب کند چیست؟ 17](#_Toc436876027)

[س39 - آیا امت و ملتی بوده که خداوند به سوی آن‌ها پیامبری نفرستاده است تا خدای یکتا را عبادت کرده، از طاغوت دوری جویند؟ 18](#_Toc436876028)

[س40 - توحید چند نوع است؟ 18](#_Toc436876029)

[س41 - اگر خداوند به من امری کرد، چه چیز بر من واجب مى‌شود؟ 19](#_Toc436876030)

[س42 - اگر انسان بداند که خداوند به توحید و یگانه پرستی امرکرده و از شرک نهی فرموده، آیا مراتب ذکرشده در بالا، شامل او مى‌شود؟ چگونه؟ 19](#_Toc436876031)

[س43 - کفرچیست و انواع آن چند است؟ 20](#_Toc436876032)

[س44 - شرک چیست و برچند نوع است؟ 22](#_Toc436876033)

[س45 - فرق بین قدر و قضا چیست؟ 25](#_Toc436876034)

[س46 - آیا تقدیر و سرنوشت خیر و شر همه از طرف خداست یا خیر؟ 27](#_Toc436876035)

[س47 - معنای (لا إله إلاَّ الله) چیست؟ 28](#_Toc436876036)

[س48 - چه توحیدی است که خداوند قبل از نماز و روزه، بر بندگانش فرض نمود؟ 28](#_Toc436876037)

[س49 - کدام یک از این دو بهتر است: فقیری که بر فقر و تهیدستی خود صبر و شکیبایی کند یا ثروتمندی که شکرگزار باشد؟ مقدار صبر و شکیبایی چه اندازه است؟ 29](#_Toc436876038)

[س50 - مرا به چه چیزی توصیه مى‌کنی؟ 29](#_Toc436876039)

مقدمه مترجم

إنَّ الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

این کتاب که دلایل یگانگی خداوند نام دارد، یکتا پرستی را بطور سؤال و جواب نوشته شده تا خوانندگان عزیز بتوانند بهتر وآسانتر آنرا درک کنند. و از کتاب (الدرر السنية في الأجوبة النجدية)گرفته شده است. امید است نوانسته باشیم با این ترجمه خدمتی به اسلام مبین کرده باشیم. و مسلمانان فارسی زبان بتوانند عقیدیشان را بهتر و واضح تر درک کنند.

اسحاق دبیری

ریاض، محرم الحرام 1421هـ. ق

50 سؤال و جواب در یگانه پرستی

س1- اصول سه گانه که دانستن آن بر انسان واجب است چیست؟

ج ـ شناخت بنده، خدا، دین و پیامبر خود محمد ج را.

س2 - معبود و پروردگار توکیست؟

ج ـ پروردگار من کسی است که من و تمامی مخلوقات را با نعمت‌های خود آفریده است. اوست پروردگار من، و به جز او هیچ معبودی برای من نیست.

خداوند می‌فرماید: ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢﴾ [الفاتحه: 2]. [ستایش خدایی راست که پروردگار جهانیان است].

و هر چیز غیر از خداوند، جهان است و من یکی از آن جهانیان هستم.

س3 - رب یعنی چه؟

ج ـ رب یعنی مالک، متصرف در همه چیز. و اوست که سزاوار عبادت و پرستش است.

س4 - چگونه خدای خود را می‌شناسی؟

ج ـ با نشانه ها و دلایل و مخلوقاتش او را می‌شناسم، شب و روز و آفتاب و ماه و ستارگان همه از نشانه‌های اوست، و آسمان و زمین و آنچه بین آن‌ها و در آن‌هاست، از آفریده‌های خداست؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ٣٧﴾ [فصلت: 37].

[از جمله آیات و نشانه‌های الهی، خلقت شب و روز و خورشید و ماه است، برای خورشید و هم برای ماه سجده نکنید، و برای خدایی سجده برید که آن‌ها را آفریده است، اگر تنها او را می‌پرستید].

و می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤﴾ [الأعراف: 54].

[همانا پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش مُستوی شد، پشت سر هم و بدون انقطاع شب را روز، و روز را شب می‌کند. آفتاب و ماه و ستارگان از فرمان و دستورات او پیروی می‌کنند همه مخلوقات و تصرف در آن، فقط از آن اوست، الله پروردگار عالمیان چه قدر بلندمرتبه و والا مقام است].

س5 - دین تو چیست؟

ج ـ دین من اسلام است و اسلام یعنی: تسلیم خدای یکتا شدن، به طاعات و اوامر و نواهی او گردن نهادن، و از او فرمانبرداری کردن.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ﴾ [آل عمران: 19].

[محققاً دین پذیرفته نزد خدا، دین اسلام است].

و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل عمران: 85]. [کسیکه غیر اسلام دینی دیگر بخواهد، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است].

و می‌فرماید: ﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ﴾ [المائدة: 3]. [امروز دینتان را برای شما کامل کردم، و نعمت خویش بر شما تمام نمودم، و اسلام را (به عنوان) دین برای شما پسندیدم].

س6- دین اسلام بر چه چیزی بنا نهاده شده است؟

ج ـ اسلام بر پنج رکن بنا شده است که عبارتند از:

1 ـ گواهی دادن به اینکه معبود و خدایی به حق، جز خدای یکتا نیست، و گواهی بر اینکه محمد ج بنده و فرستاده خداست.

2 ـ نماز را با ارکان و واجبات و سنت‌های آن بر پا کردن.

3 ـ زکات مال را دادن.

4 ـ ماه مبارک رمضان را روزه گرفتن.

5 ـ فریضه حج را ادا نمودن، در صورتی که استطاعت و قدرت آن را داشته باشیم.

س7 - ایمان چیست؟

ج ـ گرویدن و اعتقاد داشتن به خدا، و فرشتگان خدا، و کتاب‌های خدا، و پیامبران خدا، و روز آخرت، و به قضـــا و قدر خیر و شرآن.

خداوند می‌فرماید: ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِ﴾ [البقرة: 285].

[پیامبر برآن چه خدا بر او نازل فرمود، ایمان آورد، و مؤمنان نیـز همه بـه خـدای یکتا و فرشتگان خـدا و کتاب‌های خدا و پیامبران خدا ایمان آوردند].

س8 - احسان و نیکی چیست؟

ج ـ خدا را چنان پرستش کنی که گویی او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی، یقین بدان که او تو را می‌بیند.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ ١٢٨﴾ [النحل: 128].

[بیگمان خداوند با پرهیزگاران و نیکوکاران است].

س9- نبی و پیامبر تو کیست؟

ج ـ پیامبر من محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم است، و از قبیله قریش، و قبیله قریش از کنانه و کنانه از عرب هاست، و اعراب از ذُرّیات و نوادگان حضرت اسماعیل÷ می‌باشند، و اسماعیل÷ از فرزندان ابراهیم، و ابراهیم÷ از نوادگان پیامبر نوح علیهم الصلاة والسلام است.

س10- [محمد] با چه سوره‌ای مژده داده شده، و با چه سوره‌ای فرستاده شده است؟

ج ـ با سوره: ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ١﴾ مژده داده شده، و با سوره: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١﴾ فرستاده شده است.

س11- معجزه رسول الله **ج** چیست؟

ج ـ *قرآن مجید* بزرگ ترین معجزه‌ای است که تمام آفریده‌های خدا با وجود زبان فصیح و روان و زیرکی و استادی و دشمنی شدید بر قرآن و پیروانش، نتوانستند یک سوره مانند سوره‌های آن بیاورند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٣﴾ [البقرة: 23].

[و اگر از آنچه که بر بنده خود نازل کرده‌ایم، در شک اید، اگر راستگویید یک سوره مانند آن بیاورید و گواهانتان را ـ در برابر خدا ـ (به یاری) بخوانید].

و می‌فرماید: ﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ٨٨﴾ [الإسراء: 88].

[بگو: اگر انس و جن گرد آیند بر آنکه مانند این قرآن آورند، هرگز نمی‌توانند مانندش آورند، و اگر چه برخی از آنان یاور برخی (دیگر) باشند].

س12- دلیل بر اینکه او رسول و فرستاده خداست، چیست؟

ج ـ خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوۡ قُتِلَ ٱنقَلَبۡتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡۚ وَمَن يَنقَلِبۡ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيۡ‍ٔٗاۗ وَسَيَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٤﴾ [آل عمران: 144].

[و محمد جز رسول (خدا) نیست (که) به راستی پیش از او رسولانی بوده اند.آیا اگر بمیرد یا کشته شود، از آیین خود بر می‌گردید؟ و هرکس از آیین خود برگردد، (درحقیقت) هیچ زیانی به خداوند نمی‌رساند و خـداونـد به شـکرگزاران پاداش خواهد داد].

و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا﴾ [الفتح: 29].

[محمد رسول خداست، و کسانیکه با اویند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی].

س13- دلیل نبوت و پیامبری محمد ج چیست؟

ج ـ خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَۗ﴾ [الأحزاب: 40].

[محمد پدر هیچ یک از مردان شـما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم انبیاست].

این آیه ها دلالت می‌کند که او پیامبر و خاتم انبیاست.

س14- چرا خداوند محمد ج را فرستاد؟

ج ـ برای [دعوت به] پرستش خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، و اینکه برای او شریک قرار نداد، و برای اینکه مردم را از عبادت و پرستش آفریدگان، از فرشتگان و انبیا و صالحان و سنگ و درخت نهی کند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبیاء: 25]. [و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که معبود (حقی) جز من نیست، پس مرا بپرستید].

و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ﴾ [النحل: 36]. [و بر هر امت پیامبری فرستادیم تا خدا را عبادت کنند و از طاغوت بپرهیزند].

و خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿وَسۡ‍َٔلۡ مَنۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رُّسُلِنَآ أَجَعَلۡنَا مِن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ءَالِهَةٗ يُعۡبَدُونَ ٤٥﴾ [الزخرف: 45]. [(ای رسول!) از پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم بپرس که، آیا ما جز خدای یکتای مهربان، خدایان دیگری را هم معبود مردم قرار دادیم؟].

و خداوند سبحانه می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾ [الذاریات: 56]. [ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا به یکتایی پرستش کنند].

از آنچه گذشت متوجه می‌شویم که خداوند جهانیان را نیافریده مگر برای عبادت کردن و یگانه دانستن او. و پیامبران را فرستاده تا بندگان را به عبادت خدای یگانه امرکنند.

س15- فرق بین توحید ربوبیت و توحید الوهیت چیست؟

ج ـ توحید ربوبیت: توحید خداوند در افعال و اعمال اوست، مانند آفرینش، رزق و روزی دادن، می‌راندن، زنده کردن، باران فرستادن، رویاندن گیاهان، و تدبیر کار همه خلایق را کردن.

توحید الوهیت: توحید خداوند که افعال و اعمال بندگان را بیان می‌کند؛ مانند: دعا، ترس و امید، آرزو و توکل، توبه و پشیمانی، میل و بیم، نذر و قربانی، طلب کمک، و غیر از این عبادت‌ها.

س16- انواع عبادت‌ها - که فقط و فقط مخصوص خداست - کدامند؟

ج ـ دعا و یاری خواستن، فریادرسی، قربانی و نذر، ترس و وحشت و آنچه بنده ازکمک و یاری بر آن عاجز است، امید و آرزو و توکل و بازگشت و توبه، دوست داشتن، ترس و بیم، یگانه دانستن، رکوع و سجود، خشوع و فروتنی، ذلت و خواری. و تعظیم که ویژگی خاص خداست.

س17- بزرگترین چیزی که خدا به آن امر فرموده، و بزرگ ترین چیزی که از آن نهی کرده چیست؟

ج ـ بزرگ ترین فرمان‌های خدا یکتاپرستی است، و بزرگ ترین نواهی او شرک است؛ یعنی برای خداوند شریک قایل شدن، یا عبادت‌های خود را برای کسی دیگر انجام دادن.

بنابراین هرکس چیزی از عبادت‌هایش را برای غیرخدا انجام دهد، آن فرد یا چیز را معبود خود دانسته و برای خداوند شریک قرار داده است.

س18- مسایلی که آموختن و عمل کردن به آن لازم است، کدامند؟

ج ـ الف ـ خداوند ما را آفریده و به ما روزی داده، و ما را نادیده نگرفته است، بلکه به سوی ما پیامبری فرستاده است، پس هرکس از او اطاعت کند به بهشت وارد می‌شود، و هرکس از او نافرمانی کند به دوزخ خواهد رفت.

ب ـ خداوند به هیچ وجه راضی نمی‌شود تا با او در عبادت شریک قائل شویم، نه فرشته‌ای مقرب و نه پیامبری فرستاده شده.

ج ـ هرکس از رسول اکرم ج اطاعت کند و خداوند را یگانه بداند، به هیچ وجه جایز نیست از کسانی که دشمن خدا و رسولند پشتیبانی کنـد حتی اگر نزدیک ترین فرد به او باشد.

س19- الله یعنی چه؟

ج ـ یعنی صاحب صفت و مقام خداوندی و پرستش.

س20- چرا خداوند تو را آفریده است؟

ج ـ مرا برای عبادت و پرستش خود آفرید.

س21- عبادت او چگونه است؟

ج ـ یگانه دانستن و اطاعت از او، عبادت اوست.

س22- دلیل بر عبادت او چیست؟

ج ـ خداوند سبحانه وتعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾ [الذاریات: 56]. [ما جن و انس را نیافریدیم مگر اینکه مرا به یگانگی بپرستند].

س23- اولین چیزی که خداوند بر ما فرض نمود چیست؟

ج ـ کفر به طاغوت (هرمعبودی جز خدا) و ایمان به خدا؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ٢٥٦﴾ [البقرة: 256].

[در دین اجباری (روا) نیست، به راستی راهیابی از گمراهی آشکار شده است. پس هرکس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، (بداند) که به دستاویزی (بس) محکم چنگ زده است (که) آن گسستنی ندارد، و خداوند شنوای داناست].

س24- عروة الوثقی یعنی چه؟

ج ـ عـروة الوثقی، (لا إله إلاَّ الله) است. (لا إله) نفی و (إلاَّ الله) اثبات است.

س25- نفی و اثبات [در این جا] چیست؟

ج ـ نفی، عدم عبادت و پرستش همه خدایان، و اثبات، عبادت خدای یگانه‌ای که هیچ شریکی ندارد.

س26- دلیل بر این قول چیست؟

ج ـ خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ٢٦﴾ [الزخرف: 26].

[ای رسول ما! به یاد آور هنگامی که ابراهیم با پدر و قوم خویش گفت:‌ای بت پرستان! من از خدایان شما سخت بیزارم و ازآن برائت می‌جویم].

این دلیل نفی است.

و ﴿إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي﴾ [الزخرف: 27]. [مگر آن خدایی را که مرا آفرید].

دلیل بر اثبات است.

س27- طاغوت‌ها چه کسانی و بر چند نوع هستند؟

ج ـ طاغوت‌ها بسیارند و انواع آن پنج است:

1 ـ ابلیس - که لعنت خدا بر او باد -.

2 ـ کسی که به غیر از خدا عبادت و پرستش شود و او به آن عبادت راضی باشد.

3 ـ کسیکه مردم را به عبادت خود دعوت کند.

4 ـ کسی که ادعای علم غیب کند.

5 ـ کسی که به غیر اسلام حکم و قضاوت کند.

س28- بهترین اعمال پس از شهادتین کدام است؟

ج ـ بهترین اعمال و کردار پس از شهادتین نماز پنج گانه است که شرایط و احکام و واجباتی دارد، و بزرگ ترین شرط‌های آن: اسلام، عقل، تمیز و تشخیص دادن، با طهارت بودن، پاک بودن از نجاست و پلیدی، پوشاندن عورت، رو به قبله کردن، داخل شدن وقت نماز، نیت و قصد نمودن.

و ارکان نماز چهارده چیز است:

1 ـ ایستادن به نماز در حال قدرت و استطاعت.

2 ـ تکبیره الإحرام در شروع نماز.

3 ـ خواندن سوره حمد (الفاتحه).

4 ـ رفتن به رکوع.

5 ـ اعتدال و طمأنینه بعد از رکوع؛ یعنی پس از بلند شدن از رکوع آرام گرفتن.

6 ـ سجده کردن بر اعضای هفت گانه، سجود بر پیشانی با بینی، و دو کف دست، و دو زانو، و اطراف انگشتانِ دو پا در حالی که بر زمین چسپانیده است.

7 ـ اعتدال و طمأنینه؛ یعنی آرام گرفتن در هنگام سجده.

8 ـ نشستن بین دو سجده.

9 ـ طمأنینه وآرام گرفتن در همه آنچه یاد شد.

10 ـ ترتیب در ارکان نماز.

11 ـ تحیات و تشهد آخر.

12 ـ نشستن به آن تحیات.

13 ـ درود فرستادن بر رسول الله ج.

14 ـ سلام دادن از دو سو (چپ و راست).

و واجبات نماز هشت چیز است:

1 ـ گفتن تمامی تکبیرات غیر از تکبیره الإحرام.

2 ـ گفتن (سبحان ربي العظيم) در رکوع.

3 ـ گفتن (سمع الله لمن حمده) برای امام و کسی که تنهایی نماز می‌خواند.

4 ـ گفتن (ربنا ولك الحمد) برای امام و همه نمازگزاران (چه جماعت و چه به تنهایی).

5 ـ گفتن(سبحان ربي الأعلى)در سجود.

6 ـ گفتن رب اغفرلی در بین دو سجده.

7 ـ تحیات اول.

8 ـ نشستن برای آن.

و بقیه موارد، سنت‌های گرفته شده از گفتار یا کردار پیامبر اسلام است.

س29- آیا خداوند مخلوقات را پس از مردن بر مى‌انگیزد و آن‌ها را بر نیکی و بدی مجازات مى‌نماید، کسی که از او اطاعت کرده به بهشت، وکفر ورزندگان و شرک آورندگان را به دوزخ وارد کند؟

ج ـ بلی. و دلیل آن این آیه است:

﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧﴾ [التغابن: 7].

[کافران گمان کردند که هرگز پس از مرگ برانگیخته نمی‌شوند.‌ای رسول ما! به آن‌ها بگو به خدای من سوگند که برانگیخته می‌شوید و سپس به نتیجه اعمال و کردار خود آگاه می‌گردید و این بر خدا بسیار آسان است].

و همچنین: ﴿مِنۡهَا خَلَقۡنَٰكُمۡ وَفِيهَا نُعِيدُكُمۡ وَمِنۡهَا نُخۡرِجُكُمۡ تَارَةً أُخۡرَىٰ ٥٥﴾ [طه: 55].

[ما شما را از خاک آفریدیم و [دو باره] به خاک باز می‌گردانیم، و بار دیگر روز قیامت شما را از خاک بیرون می‌آوریم].

و در قرآن دلایل بسیاری است که نمی‌توان آن را شمرد.

س30 - حکم ذبح و قربانی برای غیر از خدا در آیه ذیل چیست؟

ج:این شخص کافر و مرتد از دین است و [حیوان] قربانی شده او حرام است؛ زیرا دو چیز مانع آن می‌شود:

اول این که: قربانی مرتد است، و قربانی مرتد به اجماع علما حرام است.

دوم این که: برای غیرخدا ذبح و قربانی شده، و چنین قربانی را خداوند حرام فرموده است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿قُل لَّآ أَجِدُ فِي مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٖ يَطۡعَمُهُۥٓ إِلَّآ أَن يَكُونَ مَيۡتَةً أَوۡ دَمٗا مَّسۡفُوحًا أَوۡ لَحۡمَ خِنزِيرٖ فَإِنَّهُۥ رِجۡسٌ أَوۡ فِسۡقًا أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِ﴾ [الأنعام: 145].

[بگو: در آنچه که به من وحی شده است (چیز) حرامی را برخورنده‌ای که آن را بخورد، نمی‌یابم. مگر آنکه مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خـوک باشـد. بیگمان آن حــرام است. و یا حیوانی که بـدون ذکر نام خـدا (از روی فسق) ذِبح شده باشد].

س31 - انواع شرک کدامند؟

ج: انواع شرک عبارتند از:

1 ـ طلب کردن و خواستن نیازها و حاجت ها از مُردگان.

2 ـ کمک خواستن از مُردگان. و این اصلِ شرک جهانیان است؛ زیرا عمل و کردار مُرده قطع شده و به پایان رسیده است و نمی‌تواند سود و زیانی به خود یا دیگری برساند. پس چگونه که کسی از او یاری جُسته تا برای او نزد خدا شفاعت بطلبد، [هیچ انسان عاقلی این کار را نمی‌کند] مگر کسی که از ناتوانی همه مُردگان در انجام هر عملی آگاه نباشد و از خدا و قدرت خدا در انجام هرکاری غافل شود؛ زیرا هیچ کس نزد خداوند شفاعت نمی‌کند مگر به اجازه او. و خداوند سؤال و روی آوردن به غیر او را دلیلی به عنوان اجازه شفاعت به او ندانسته است، بلکه سبب اجازه او به شخص، کمال توحید و یکتاپرستی آن فرد است و آن فرد دلیل و برهانی برای بازداشتن و منع اجازه شرک به خداست.

و شرک به دو نوع تقسیم می‌شود: شرکی که انسان را از اسلام و ملت اسلام خارج می‌کند، که آن شرک اکبر است، و شرکی که انسان را از اسلام خارج نمی‌کند، و آن شرک اصغر است؛ مانند ریا.

س32 - نفاق بر چند نوع تقسیم مى‌شود و معنای آن چیست؟

ج ـ نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود: نفاق اعتقادی و نفاق عملی.

نفاق اعتقادی در بسیاری از جاهای قرآن ذکر شده است ــ که موجب جاودانگی در پایین ترین نقطه دوزخ خواهد بود ــ. و نفاق عملی در حدیث ذیل ذکر شده است: **«**أربع من كنَّ فيه كان منافقاً خالصاً، ومن كانت فيه خصلة منهن، كانت فيه خصلة من النفاق حتى يدعها: إذا حدّث كذب وإذا عاهد غدر وإذا خاصم فجر وإذا اؤتمن خان». [متفق علیه].

چهار خصلت اگر در انسان باشد، منافق خالص و واقعی است، و اگر یکی از این خصلت ها در او باشد، یکی از نشانه‌های نفاق در اوست:

هنگام سخن گفتن دروغ بگوید، و اگر وعده داد به آن عمل نکند، اگر امانتی به او سپرده شد خیانت کند، در هنگام خصومت و نزاع، بد و بیراه بگوید، و اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد، عهد خود را بشکند و خیانت کند.

بعضی از علما گویند این نفاق ممکن است به واسطه محکم بودن اسلامِ شخص، از بین برود ولی اگر این نفاق در آن شخص محکم و ثابت گردد، ممکن است به طورکلی از اسلام خارج شود، حتی اگر نماز بخواند و روزه بگیرد و ادعای مسلمانی کند؛ زیرا ایمان، خصلت‌های نفاق را نهی می‌کند. پس اگر نفاق در بنده مستحکم شود و چیزی نباشدکه او را ازآن خوی‌ها و خصلت ها باز دارد، آن شخص منافق خالص خواهد بود.

س33 - مرتبه دوم اسلام چیست؟

ج ـ ایمان مرتبه دوم اسلام است.

س34 - ایمان به چند شاخه تقسیم مى‌شود؟

ج ـ شعب و شاخه‌های ایمان هفتاد و اندی است که بلندترین آن‌ها کلمه لا إله إلاَّ الله است و کوچک ترین آن‌ها دورکردن و برداشتن از راه مردم، آنچه آن‌ها را رنج و آزار می‌دهد. و شرم و حیا نیز شاخه‌ای از ایمان است.

س35 - ارکان ایمان چند است؟

ج ـ ایمان شش رکن دارد: ایمان به خدا، و فرشتگان خدا، وکتاب‌های خدا، و پیامبران خدا، و روز قیامت، و قضا و قدرِ خیر و شر.

س36 - سومین مرتبه از مراتب دین اسلام چیست؟

ج ـ مرتبه سوم از مراتب اسلام، احسان و نیکی است که یک رکن دارد: اینکه خدا را چنان پرستش کنی، گویی او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی، یقین بدان که او تو را می‌بیند.

س37 - آیا مردم پس از حشر شدن بر اعمال وکردار خـود در روز قیامت، پاداش یا کیفر خواهند دید؟

ج ـ بلی؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ بِمَا عَمِلُواْ وَيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ بِٱلۡحُسۡنَى﴾ [النجم: 31].

[که بدکاران را به کیفر می‌رساند، و نیکوکاران را پاداش نیکوتر عطا می‌کند].

س38 - حکم کسی که بعثت را تکدیب کند چیست؟

ج ـ او کافر است. خداوند می‌فرماید: ﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧﴾ [التغابن: 7].

[تفسیرآن در ص 26 گذشت].

س39 - آیا امت و ملتی بوده که خداوند به سوی آن‌ها پیامبری نفرستاده است تا خدای یکتا را عبادت کرده، از طاغوت دوری جویند؟

ج ـ هیچ امت و ملتی نبوده مگر اینکه خداوند پیامبری را به سوی آن‌ها فرستاده؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ﴾[النحل: 36].

[و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ نماید که خدای یکتا را بپرستید و از بت‌ها و طاغوت‌ها دوری کنید].

س40 - توحید چند نوع است؟

ج: توحید بر سه نوع تقسیم می‌شود:

1 ـ توحید رُبوبیت: توحیدی است که کفار قریش در زمان پیامبر ج به آن اقرار کردند. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١﴾ [یونس: 31].

[به مشرکان بگو: کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد، و کیست که به شما چشم و گوش عطا می‌کند، وکیست که از مرده، زنده، و از زنده، مرده بر می‌انگیزد، وکیست که فرمانش، عالم آفرینش را منظم می‌دارد تا مشرکان معترف شده و گویند: قادر بر این امور، تنها خدای یکتاست. پس به آن‌ها بگو: چرا خداترس نمی‌شوید؟].

2 ـ توحید اُلوهیت: اخلاص عبادت برای خدای یگانه؛ زیرا (إله) در کلام عرب کسی است که شایسته، سزاوار و مستحق پرستش است و می‌گفتند که الله، إله و معبود خدایان است. با این حال برای او، خدایان و معبودهای دیگری مانند صالحان، فرشتگان و غیر آن‌ها شریک می‌آوردند و می‌گفتند که خداوند به این راضی است و این معبودان نزد خدا برای ما شفاعت می‌طلبند.

3 ـ توحید صفات: توحید ربوبیت و الوهیت صحیح نمی‌شود و امکان ندارد، مگر با اقرار کردن به توحید صفات. ولی کفار (قریش) از کسانی که صفات خداوند را انکارکرده‌اند، داناترند.

س41 - اگر خداوند به من امری کرد، چه چیز بر من واجب مى‌شود؟

ج ـ هفت چیز واجب می‌گردد:

اول ـ علم، شناخت و معرفت به فرمان خداوند.

دوم ـ دوستی و محبت نسبت به آن عمل.

سوم ـ اراده انجام آن چیز.

چهارم ـ انجام آن عمل.

پنجم ـ اینکه آن عمل به طور صحیح انجام شود.

ششم ـ اجتناب و دوری از آنچه آن عمل را نابود کند.

هفتم ـ پایداری و استواری بر آن عمل و کردار.

س42 - اگر انسان بداند که خداوند به توحید و یگانه پرستی امرکرده و از شرک نهی فرموده، آیا مراتب ذکرشده در بالا، شامل او مى‌شود؟ چگونه؟

ج ـ مرتبه اول ـ بیشتر مردم می‌دانند که توحید و یگانه پرستی، حق است، و شرک باطل. ولی از آن روی می‌گردانند و درباره آن چیزی نمی‌پرسند.

و می‌دانند که خداوند رباخواری را حرام کرده، با این حال، از طریق ربا خرید و فروش می‌کنند و در مورد آن سوال نمی‌کنند.

و می‌دانند که خوردن مال یتیم حرام است، ولی اگر به معروف باشد جایز، با این حال بر مال یتیم چیره شده و درباره آن سؤالی نمی‌پرسند.

مرتبه دوم ـ محبت آنچه خداوند آن را نازل کرده، و کفرکسی که از آن کراهت دارد. چنان‌که بیشتر مردم رسول اکرم ج را دوست نداشتند بلکه به او، و به آنچه آورد، بغض ورزیدند ؛گرچه می‌دانستند که خداوند آن را نازل فرموده است.

مرتبه سوم ـ اراده بر انجام کار، بیشتر مردم این را دانسته و دوست دارند، ولی بر آن چیز عزم و اراده نمی‌کنند، از ترس اینکه زندگی و ثروتشان تغییر یابد و از بین برود.

مرتبه چهارم ـ انجام کار. بیشتر مردم اگر هم عزم و اراده به انجام آن کار را کردند، به دلیل تعظیم اربابشان، انجام آن کار را ترک می‌کنند.

مرتبه پنجم ـ بیشتر مردم، کارها را از روی اخلاص انجام نمی‌دهند و اگر با اخلاص انجام دادند، به طورکامل و صحیح انجام نمی‌دهند.

مرتبه ششم ـ صالحان از نابودی عمل و کردارشان می‌ترسند.

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ٢﴾ [الحُجُرات: 2].

و این از کمترین چیزها در زمان ماست.

[که اعمال نیک تان محو و باطل شود و شما درک نکنید].

مرتبه هفتم ـ استوار بودن بر حق و ترس از سرنوشت و پایان بد. و این بزرگ ترین چیزهاست که صالحان از آن می‌ترسند.

س43 - کفرچیست و انواع آن چند است؟

ج: کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود:

الف ـ کفری که انسان را از دین و دایره اسلام خارج کند. و آن پنج نوع است:

1 ـ کفر به تکذیب خدا و رسول خدا ج. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ٦٨﴾ [العنکبوت: 68]. [و کیست ستمکارتر از کسیکه بر خداوند دروغ بندد یا حق را چون به سوی او آید، دروغ انگارد؟ آیا جایگاه کافران در جهنم نیست].

2 ـ تکبر و عدم پذیرش، با توجه به علم و شناخت به آن. خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ وَٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٤﴾ [البقرة: 34]. [و چون به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس (همه) سجده کردند مگر ابلیس که نپذیرفت و کبر ورزید و از کافران شد].

3 ـ شرک ظن و تردید به ذات خداست. خداوند می‌فرماید: ﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا ٣٥ وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا ٣٦ قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرۡتَ بِٱلَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا ٣٧﴾ [الکهف: 35 ـ 37].

[و در حالیکه به خویشتن ستمکار بود به باغش درآمد. گفت: گمان نمی‌کنم که این (باغ) هیچگاه نابود شود. و گمان نمی‌کنم که قیامت بر پا شود، و اگر (هم) به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، بیگمان بازگشتنی بهتر از آن‌ها خواهم یافت. همنشینش در حالیکه با او گفتگو می‌کرد به او گفت: آیا به کسی کفر می‌ورزی که تو را از خاک، آنگاه از نطفه آفرید، سپس تو را انسانی(کامل) ساخت؟ ولی من (باور دارم) که او خداوند. پروردگار من است و کسی را با پروردگارم شریک نمی‌سازم].

4 ـ روی گردانی از دین. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَمَّآ أُنذِرُواْ مُعۡرِضُونَ﴾ [الأحقاف: 3]. [و کافران از آنچه هشدار یافتند روی گردانند].

5 ـ نفاق. خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ٣﴾ [المنافقون: 3]. [زیرا آن‌ها ایمان آوردند، سپس کافر شدند، خدا هم مُهر بر دل‌هایشان نهاد، تا هیچ درک نکنند]. یعنی با زبان ایمان آوردند، ولی با دل کافر شدند.

ب ـ کفر اصغر که انسان را از دین اسلام خارج نمی‌کند و آن هم کفر نعمت می‌باشد.

خداوند سبحانه می‌فرماید: ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١١٢﴾ [النحل: 112]. [خداوند (در باره) شهری مثالی بیان نمود که ایمن آسوده بود، روزیاش به فرای از هرجا می‌رسید، آنگاه (اهلش) به نعمت‌های خداوند ناسپاسی کردند، پس خداوند به (سزای) کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ترس را به (اهل) آن چشانید].

و همچنین خداوند سبحانه می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَظَلُومٞ كَفَّارٞ﴾ [إبراهیم: 34]. [(با این همه لطف و رحمت خدا)، باز هم انسان سخت کفرکیش و ستمگر است].

س44 - شرک چیست و برچند نوع است؟

ج ـ بدان که توحید و یگانه پرستی، ضد شرک است و بر سه نوع تقسیم می‌شود:

1 ـ شرک اکبر.

2 ـ شرک اصغر.

3 ـ شرک خفی و پنهانی.

1 ـ شرک اکبر بر چهار نوع است:

الف ـ شرک دعا و طلب غیر از خدا؛ یعنی حل مشکلات و قضای حاجت ها را از غیر از خدا طلب کردن.

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُواْ فِي ٱلۡفُلۡكِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ إِذَا هُمۡ يُشۡرِكُونَ ٦٥﴾ [العنکبوت: 65].

[این مردم مشرک موقعی که به کشتی نشستند (و باد شدید وزیدن گرفت، و موج‌های کوه پیکر کشتی را احاطه کردند، و تاریکی شب و غرش باد و خروش موج، زندگی را برسرنشینان کشتی، تلخ کرد) آن گاه است که به اخلاص، خدا را دعا کنند و عهد می‌بندند که اگر خدا آنان را از خطر هلاکت نجات دهد، دیگر هیچ گاه گرد نافرمانی او نگردند. اما موقعی که (خدا که مهربان ترین مهربانان است) آنان را نجات داد و پایشان به خشکی رسید، ناگهان تغییر می‌کنند و شرک ورزند].

ب ـ شرک در نیت، اراده و قصد.

خداوند متعال می‌فرمایـد: ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيۡهِمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فِيهَا وَهُمۡ فِيهَا لَا يُبۡخَسُونَ ١٥ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٦﴾ [هود:15ـ16].

[هرکس زندگانی دنیا و تجمّل آن را خواسته باشد، (پاداش) کارهایشان را در آنجا برایشان به تمام و کمال می‌رسانیم و آنان در آنجا کاستی نبینند. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش (جهنم) ندارند و آنچه در آنجا (دنیا) کرده بودند، بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند باطل است].

ج ـ شرک در طاعت.

خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣١﴾ [التوبة: 31].

[احبـار و رهبان شـان را بـه جای خـداونـد، به خدایی گرفته‌انـد. و (نیـز) مسیـح بن مریم (را به خدایی گرفته اند) حال آنکه فرمان نیافته‌اند مگر آنکه معبود یگانه را بندگی کنند. معبود (حقی) جز او نیست. او از آنچه شرک می‌آورند (بس) پاک (ومنزه) است].

د ـ شرک دوستی و محبت.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِذۡ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ١٦٥﴾ [البقرة: 165].

[و از مردم کسانی هستندکه (از کند فهمی وکودنی) همتایانی برای خدا، غیر از خدا قرار داده‌اند، و آنان را مانند دوستی خدا، دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند، در دوستی خدا از آن‌ها قوی‌ترند، یعنی کافران آن همتایان دروغین را تعظیم کرده دوست می‌دارند و مردمی که به خدا ایمان صحیح آورده‌اند، در این حال محبتشان برای خدا بیشتر و تعظیمشان برای خدا بیشتر از تعظیمی است که نابخردان برای معبودان دروغین می‌کنند].

2 ـ شرک اصغر که آن را ریا گویند.

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا ١١٠﴾ [الکهف: 110]. [پس کسیکه به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده‌ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد].

3 ـ شرک خفی و پنهانی.

رسول اکرم ج می‌فرماید: **«**الشرك في هذه الأمة أخفى من دبيب النملة على صفاة سوداء في ظلمة الليل**».** [تفسیر ابن کثیر 1/57 وغیره با سند حسن].

شرک در این امت، پنهان و مخفی تر است از راه رفتن مورچه‌های سیاه که برتخته سنگ سیاهی در تاریکی شب به حرکت افتند.

س45 - فرق بین قدر و قضا چیست؟

ج ـ قدر در اصل مصدر قَدَرَ است و در تقدیرکه شرح و بیان است به کار رفته، همچنین بر سرنوشت موجودات وکائنات قبل از وقوع آن سرنوشت، اطلاق شده است.

اما قضا حکم الهی است که در این جهان در جریان قدرها و آنچه در لوح محفوظ نوشته شده، در حق مخلوق واقع شود و در لغت به معنای شرح و بیان و امتیاز دادن و فرق گذاشتن است.

و قضا برحکم قاضی شرع می‌آید؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ﴾ [النساء: 65]. [و آن گاه به هر حُکمی که کنی هیچ گونه شک و اعتراضی در دل نیابند].

و بر پایان یافتن چیزی اطلاق می‌شود؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ﴾ [الجمعة: 10]. [پس آن گاه که نماز پایان یافت].

و به معنای انجام دادن کاری می‌آید؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ﴾ [طه: 72]. [آن چه خواهی و توانی کرد، بکن].

و بر آگاه کردن و رسیدن خبر می‌آید؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَضَيۡنَآ إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾ [الإسراء: 4]. [و به بنی اسرائیل خبر دادیم].

و بر مرگ اطلاق می‌شود؛ چنان‌که گفته می‌شود: فلانی قضی؛ یعنی مُرد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَادَوۡاْ يَٰمَٰلِكُ لِيَقۡضِ عَلَيۡنَا رَبُّكَۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ٧٧﴾‌‌‌‌‌‌‌‌ [الزخرف: 77]. [ای مالک از خدای خود بخواه تا ما را بمی راند].

و بر وقوع عذاب اطلاق می‌شود.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ﴾ [هود: 44]. [و حکم الهی انجام یافت؛ یعنی عذاب الهی واقع شد].

و بر رسیدن و تمکن یافتن بر چیزی اطلاق می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُ﴾ [طه: 114]. [ای رسول! پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو برسد، در آن شتاب و عجله مکن].

و به معنای جدا کردن و حکم شدن می‌آید. خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ﴾ [الزمر: 75]. [و میان خلق حکم کنند].

[و میان اهل بهشت و دوزخ بحق حکم شود].

و به معنای آفرینش می‌آید. خداوند می‌فرماید: ﴿فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ﴾ [فصلت: 12]. [آن گاه از خلق و آفرینش و نظم هفت آسمان فارغ شد].

و به معنای حتمی الوقوع. آنچه حتماً واقع خواهد شد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَكَانَ أَمۡرٗا مَّقۡضِيّٗا﴾ [مریم: 21]. [و این حکم حتمی پروردگار توست].

و بر امر دینی گفته می‌شود؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿أَمَرَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُۚ﴾ [یوسف: 40]. [و به شما بندگان امر فرمود که جز آن ذات پاک یکتا، کسی دیگر را نپرستید].

و بر لازم و واجب شدن حکمی بین دو جدال کننده می‌آید.

و به معنای به جا آوردن وگزاردن می‌آید. خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ﴾‌ [البقرة: 200]. [آن گاه که اعمال حج را به جا آوردید].

و قضا در همه این‌ها مصدر است، امر به وجوب آمد و بر آن دلالت می‌کند، والاقتضاء: علم و معرفت به چگونگی نظم و هیات و شکلی؛ چنان‌که گفته می‌شود: **(**لا أقضى منه العجب**)**، از تعجب تمام نمی‌شوم، الأصمعی گوید: باقی می‌ماند و فنا نمی‌شود.

س46 - آیا تقدیر و سرنوشت خیر و شر همه از طرف خداست یا خیر؟

ج ـ بلی، چنان‌که علی بن ابی طالبس روایت می‌کند که: **«**كنّا في جنـازة في بقيع الغرقد، فأتانا النبي ج، فقعد وقعدنا حوله ومعه مخصرة فنكس، فجعل ينكت بمخصرته، ثم قال: ما منكم من أحد، ما من نفس منفوسة، إلاَّ كتب الله مكانها من الجنة والنار وإلاَّ قد كتبت شقية أو سعيدة، فقال رجل: يا رسول الله! أفلا نتكل على كتابنا وندع العمل؟ فمن كان منا من أهل السعادة فسيصير إلى عمل أهل السعادة وأما من كان منا من أهل الشقاوة، فسيصير إلى عمل أهل الشقاوة؟ قال: أما أهل السعادة فييسرون لعمل السعادة وأما أهل الشقاوة فييسرون لعمل الشقاوة، ثم قرأ: ﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ٥ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ٦ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ ٧ وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسۡتَغۡنَىٰ ٨ وَكَذَّبَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ٩ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡعُسۡرَىٰ ١٠﴾ [اللیل: 5 ـ 10]».[متفق علیه]. واللفظ للبخاری.

از علی بن ابی طالبس روایت است که گفت: ما در قبرستان بقیع الغرقد در تشییـع جنازه‌ای بودیم، پیامبر ج آمد و نشست، ما هم اطراف او نشستیم، با خود چوبی (عصایی) داشت و اندوهگین بود، با آن عصا خط هایی بر زمین می‌کشید، سپس فرمود: هیچ کس و هیچ جانی که روح در آن است، نیست مگر اینکه جایش در بهشت و یا دوزخ مشخص شده است و نوشته شده است که او بدبخت و یا خوشبخت است، یکی از حاضران گفت:‌ای رسول خدا! آیا بر آن نوشته توکل و اعتماد نکنیم و کار و عمل را بگذاریم؟ هریک از ما از اهل سعادت باشد، خود به خود به سوی عمل اهل سعادت سوق داده می‌شود و هرکس که از اهل شقاوت و بدبختی باشد، خود به خود به طرف عمل اهل شقاوت و بدبختان خواهد رفت، آن حضرت ج فرمود: اهل سعادت به سوی عمل اهل سعادت توجیه می‌شوند و اهل شقاوت به سوی اهل شقاوت توجیه می‌شوند سپس این آیه کریمه را تلاوت فرمودند:

[اما هرکس عطا و احسان کرد و خداترس و پرهیزکار شد و به نیکویی تصدیق کرد، ما هم کار او را آسان می‌گردانیم، اما هرکس بخل ورزد و از جهل و غرور خود را از لطف خدا بی نیاز دانست و نیکویی را تکذیب نمود، پس به زودی کار او را دشوار می‌کنیم].

س47 - معنای (لا إله إلاَّ الله) چیست؟

ج ـ یعنی: هیچ معبود و پروردگار به حقی مگر خدای یکتا نیست. خداوند سبحانه می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ﴾ [الإسراء: 23].

[و خدای توحکم فرمود که جز او هیچ کس را نپرستید].

**)**ألاَّ تعبدوا**(** در معنای هیچ معبود و **)**إلاَّ إياه**(** به معنای مگر خدای یکتا است.

س48 - چه توحیدی است که خداوند قبل از نماز و روزه، بر بندگانش فرض نمود؟

ج ـ توحید عبادت. پس غیر از خدای یگانه هیچ کس دیگر را نخوان، نه پیامبر ج و نه غیر از او.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾[الجن: 18].

[و مساجد مخصوص خداست. پس نباید با خدا احدی غیر از او را پرستش کرده و بخوانید].

س49 - کدام یک از این دو بهتر است: فقیری که بر فقر و تهیدستی خود صبر و شکیبایی کند یا ثروتمندی که شکرگزار باشد؟ مقدار صبر و شکیبایی چه اندازه است؟

ج ـ اما مساله ثروتمند و فقیر صبرکننده و شکرگزار، هردو از بهترین و افضل مؤمنان هستند و بهترین آن‌ها با تقواترین آنان هستند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ﴾ [الحجرات: 13].

[بزرگوارترین و با افتخارترین شما نزد خدا باتقواترین شما هستید].

اما مقدار صبر و شکر نزد علما و دانشمندان این مشهور است که: صبر، عدم بی تابی و ناله و زاری است و شکرگزاری، اطاعت از خدا به وسیله سپاس بر نعمت‌های اوست.

س50 - مرا به چه چیزی توصیه مى‌کنی؟

ج ـ تو را به آگاه بودن از توحید و یکتاپرستی و مطالعه کتاب‌های توحید سفارش می‌کنم؛ زیرا حقیقت خدا پرستی ـ که پیامبران را برای آن فرستاده شده‌اند ـ برایت روشن می‌شود و حقیقت شرک ـ که خدا و رسول خدا ج آن را حرام دانسته و از آن خبر داده‌اند و اینکه گناهان مشرک بخشوده نمی‌شود و بهشت بر مشرک حرام است و کسیکه مشرک باشد، اعمال و کردار او باطل و محو خواهد شد ـ برایت آشکار می‌گردد و نیز اهمیت یکتاپرستی ـ که خداوند پیامبر ج را برای آن فرستاده و با پیروی از رسول، مسلمان و از شرک و مشرکان دور خواهی بود ـ برایت مشخص می‌شود.

کلامی برایم بنویس که خداوند مرا نفع و بهره برساند:

اولین چیزی که تو را به آن نصیحت می‌کنم توجه کردن و روی آوردن به آنچه محمد ج از نزد خداوند تبارک وتعالی آورده است، می‌باشد؛ زیرا آنچه مردم به آن احتیاج دارند، از طرف خداوند آورده است و هیچ چیزی نبوده و نخواهد بود که آن‌ها را به خداوند و بهشت نزدیک کند مگر اینکه به آن امرکرده است، و هیچ چیزی نبود که آن‌ها را از خداوند دور و به دوزخ نزدیک نماید، مگر اینکه از آن برحذر داشته است.

پس خداوند تا روز قیامت حجت را برخلق تمام کرده و برای هیچ کس حجت و برهانی بعد از بعثت محمد ج نیست.

خداوند در باره پیامبر ج و پیامبران دیگر علیهم السلام می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ١٦٣ وَرُسُلٗا قَدۡ قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكۡلِيمٗا ١٦٤ رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٦٥﴾ [النساء: 163 ـ 165].

[ما چنانکه به نوح و پس از او بر پیامبران وحی کردیم و (چنانکه) به إبراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان (او) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم به تو (نیز) وحی کردهیم و به داود زبور دادیم. و رسولانی (فرستادیم) که پیش از این داستان آنان را بر تو باز گفیتم و رسولانی که حکایت آنان را بر تو باز نگفته‌ایم. و خداوند (بیمیانجی) با موسی سخن گفت. رسولانی مژده آور و بیم کننده تا برای مردم پس از (ارسال) رسولان بر خداوند حجتی (در میان) نباشد و خداوند پیروزمند فرزانه است].

پس بزرگترین چیزی که از نزد خداوند آورده و اولین چیزی که مردم را به آن امر فرموده عبادت خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد عبادتی که فقط و فقط برای اوست؛ چنان‌که خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١ قُمۡ فَأَنذِرۡ ٢ وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ ٣﴾ [المدثر: 1 ـ 3].

[ای رسولی که خود را به لباس درپیچیده ای! برخیز و مردم را پند و اندرز ده و آگاه نما و از خدا بترسان. و پروردگارت را به کبریا و بزرگی و عظمت یاد کن].

﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ﴾ یعنی، خدا را بزرگ بدان و او را با اخلاص در دین عبادت کن که او هیچ شریکی ندارد. و این، قبل از اینکه به نماز و زکات و روزه و حج و غیر این‌ها از شعایر اسلام امر شود، می‌باشد.

و﴿قُمۡ فَأَنذِرۡ﴾ یعنی، از شرک در عبادت خدای یگانه دوری کن. و این، قبل از اینکه از زنا و دزدی و رباخواری و ظلم و ستم به مردم و غیر این‌ها از گناهان کبیره نهی شود، می‌باشد.

و این قاعده از بزرگ ترین قواعد دین و واجب ترین آن‌هاست و خداوند مخلوقات را برای همین آفریده است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56].

و به همین سبب، خداوند پیامبران را فرستاده و کتاب‌های آسمانی را نازل فرموده است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ﴾ [النحل: 36].

و به همین علت، مردم بین مسلمان و کافر جدایی و فرق گذاشته‌اند، پس هرکس خدا را روز قیامت با توحید و بدون هیچ گونه شرکی ملاقات نماید، وارد بهشت می‌شود و هرکس که با شرک، خدا را دیدار کند، به دوزخ خواهد رفت، حتی اگر از عابدترین و زاهدترین مردم باشد و این همان معنای (لا إله إلاَّ الله) است؛ زیرا فقط از (إله) است که امید و آروز و خیر و دفع شر خواسته می‌شود و فقط از او ترسیده می‌شود و فقط بر او توکل می‌شود.

وصلى الله وسلم على نبينا محمد وآله وصحبه أجمعين.